

یادی از استاد

حجت الاسلام دکتر محمد جواد ارسطا
استاد حقوق عمومی دانشگاه تهران - پردیس قم



آیت‌الله العظمی خوبی را درک کرده بود پس از رسیدن به مقام شامخ استنباط به ایران برگشته و ابتدا در قم و سپس در تهران به تدریس و تحقیق و تألیف پرداخت. ایشان که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در دانشگاه به تدریس مبانی دینی و فقهی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخت، بی تردید حق بسیار بزرگی بر عهده جامعه علمی ایران در تدوین فقه سیاسی دارد. دشوارترین فعالیت‌های علمی را کسانی انجام می‌دهند که قدم در راه‌های ناهموار و طی نشده می‌گذارند. تدوین فقه سیاسی توسط استاد عمید را باید به عنوان چنین کاری ارزیابی کرد. درست است که بسیاری از موضوعات فقه سیاسی در تألیفات فقهاء آمده است ولی استخراج آنها و تدوینشان در یک قالب منظم و پیدا کردن معادل‌های حقوقی برای آنها و تحریرشان به زبان روز، کار بسیار دشوار و طاقت‌فرسایی است که تنها افراد نادری از عهده آن برمی‌آیند و استاد عمید یکی از همین افراد بود.

یکی از اساتید در توصیف بزرگترین کار علمی شهید مطهری نوشته بود که او موفق شد معارف اسلامی را به زبان روز و در قالبی که برای قشر تحصیلکرده زمان ما قابل فهم است به شکل منطقی و معقول بازنویسی کند.

برای فهم دشواری و سترگی این کار، کافی است توجه کنیم که چه اندازه امثال شهید مطهری در زمان ما اندکند. آیت‌الله عمید از همین اندک دانشمندانی بود که در فقه سیاسی از شیوه شهید مطهری پیروی کرد و خداوند نیز که او را در این راه ثابت قدم دید، توفیق تدوین دایرةالمعارف فقه سیاسی را به او عنایت نمود چه این که به فرموده پیامبر اکرم

بسم الله الرحمن الرحيم
«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا» (احزاب/ ۲۳) از امام صادق (ع) در ذیل این آیه شریفه روایت شده است که برخی مؤمنان، آناند که به عهد الهی وفا کردند و این قسمت از آیه ناظر به آنها است که می‌فرماید: «رجال صدقوا، ما عاهدوا الله عليه» فذلک الذی لاصيبه احوال الدنيا و لاهوال الآخرة و ذلک ممن يشفع و لا يشفع له. (الکافی/ ج ۲/ ص ۲۴۸)

این است مؤمنی که هراس‌های دنیای و آخرت به او نرسد و از کسانی است که شفاعت کند و نیازی به شفاعت دیگران ندارد.

بدون شک دریافت خبر رحلت یک عالم، تلخ است و تأسف‌بار، بخصوص برای شاگردانی که از نزدیک محضر او را درک کرده و از خرمن علمش، بهره‌ها برده‌اند. چه زیبا فرموده است پیامبر اکرم (ص) که: موت قبيله ایسر من موت عالم (منتخب میزان الحکمه/ ج ۲/ ص ۷۱۶) مرگ یک قبيله آسانتر از مرگ یک عالم است. در ساعات اولیه روز یکشنبه هشتم آبان ماه نود، خیر ارتحال عالم ربانی، استاد برجسته و وارسته حوزه و دانشگاه حضرت آیت‌الله عمید زنجانی مرا به شدت متأثر کرد. بنده مدت‌ها افتخار شاگردی آن بزرگوار را داشتم، هم در مقطع ارشد و هم در مقطع دکتری و ایشان را به صفای باطن، صدق نیت، تواضع، ادب، علم فراوان و بسیاری از صفات والای اخلاقی می‌شناختم. آیت‌الله عمید که افتخار تلمذ در دو حوزه بزرگ عالم تشیع یعنی حوزه علمیه قم و نجف اشرف را دارا بود و محضر اساتید کم‌نظیری همچون آیت‌الله العظمی امام خمینی و

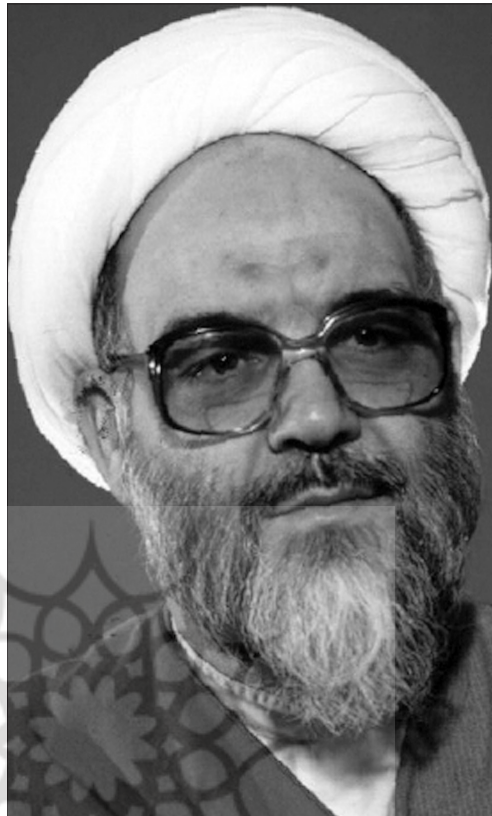
آیت‌الله عمید که
از ابتدای پیروزی
انقلاب اسلامی در
دانشگاه به تدریس
مبانی دینی و
فقهی قانون اساسی
جمهوری اسلامی
ایران پرداخت،
بی تردید حق بسیار
بزرگی بر عهده
جامعه علمی ایران
در تدوین فقه
سیاسی دارد.

کرده و خود را فدا کرده‌اید. موجب تأسف است که از این ایثار، چنان که شایسته بود قدردانی نشد. از دیگر ویژگی‌های آن بزرگوار، روحیه شاگردپروری ایشان بود. هستند بزرگانی که در عین برخورداری از مقامات بالای علمی و عملی، چندان به پرورش شاگردان خود عنایت نمی‌ورزند ولی آیت‌الله عمید چنین نبود. شاگردان خود را با آغوش باز به حضور می‌پذیرفت و با آنها وارد بحث علمی می‌شد و در هنگام بحث و گفت‌وگو، ادب و بردباری را به آنان می‌آموخت. بنده که خود از نزدیک شاهد این برخورد کریمانه، عالمانه و پدراانه استاد بودم هیچ‌گاه ندیدم که در اثناء بحث، روی ترش کند یا از سؤالات شاگردان خود که بعضاً دارای عمق و دقت علمی نبود بی‌حوصله شود یا خدای ناکرده اندکی از رعایت ادب در حق آنان فروگذار کند.

این روحیه استاد منحصر به زمان حضور شاگردان در نزد ایشان نبود بلکه در غیاب آنان نیز شاگردان خود را مورد عنایت قرار می‌داد. من که بارها از این لطف و محبت ایشان برخوردار شدم اکنون از یادآوری آن صحنه‌ها واقعا متاثر می‌شوم.

استاد عمید با رفتار خود نه تنها شاگردپروری می‌کرد بلکه چگونگی رفتار با استاد را نیز به شاگردان خود می‌آموخت. به یاد دارم روزی تحیت و احوالپرسی یکی از مراجع بزرگ تقلید معاصر را که استاد، زمانی در نزد ایشان تلمذ کرده بودند، به حضورشان ابلاغ کردم، بعد از گذشت سال‌ها از آن زمان، چنان ابراز تواضع کردند که برای من بسیار درس آموز بود خصوص این که به این مقدار اکتفاء نکرده، نامه‌ای ملامت از ادب و تواضع خطاب به استاد خود نوشتند و برخی از آثار خویش را نیز همراه آن نامه تقدیم آن مرجع عالیقدر نمودند. اینک در فقدان آیت‌الله عمید زنجانی ضمن آرزوی غفران و رحمت الهی و حشر با پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) برای ایشان، از صمیم قلب امیدواریم که خداوند متعال خلأ حاصل از رحلت این استاد بزرگ را برطرف کرده و تحقق این وعده خود را هر چه زودتر به ما نشان دهد که: «ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها الم تعلم ان الله علی کل شیء قدير» (بقره/۱۰۶)

هیچ آیتی را نسخ نمی‌کنیم و یا آن را از اذهان نمی‌بریم مگر آن که بهتر از آن و یا همانندش را می‌آوریم آیا نمی‌دانی که خداوند بر هر چیزی توانا است.



(ص): خداوند متعال کارهای بلندپایه و برجسته را دوست دارد و کارهای فرومایه را نمی‌پسندد. (بحار الانوار / ج ۷۲/ص ۱۲۷) ان الله یحب تعالی الامور و یکره سفاسفها به راستی شایسته است که استاد عمید زنجانی را پدر فقه سیاسی در زبان فارسی دانست. از دیگر اقدامات این بزرگوار که همواره تحسین را برمی‌انگیزد قبول ریاست دانشگاه تهران بود. بدون شک او به این منصب نیازی نداشت. افتخارات علمی و اجرایی زیادی در کارنامه او بود که وی را از پذیرش چنین سمتی بی‌نیاز می‌کرد. علاوه بر این، شخصی با جایگاه علمی ایشان که به تدوین موسوعه فقه سیاسی اشتغال داشت، مهمترین و محبوبترین کار برایش استمرار همین فعالیت علمی بزرگ بود ولی آن‌گاه که احساس تکلیف کرد با ایثار تمام، مسؤلیت مزبور را پذیرفت و منصبی را قبول کرد که به حق می‌توان گفت از افتخارات آن منصب و جایگاه، این بود که مدتی آیت‌الله عمید تصدی آن را بر عهده داشت.

در اولین جلسه‌ای که پس از تصدی این سمت همراه با یکی از اساتید، خدمت ایشان رسیدم عرض کردم شما در قبول این مسؤلیت، در حقیقت تضحیه

آیت‌الله عمید از اندک دانشمندانی بود که در فقه سیاسی از شیوه شهید مطهری پیروی کرد و خداوند نیز که او را در این راه ثابت قدم دید، توفیق تدوین دایرةالمعارف فقه سیاسی را به او عنایت نمود.

استاد عمید با رفتار خود نه تنها شاگردپروری می‌کرد بلکه چگونگی رفتار با استاد را نیز به شاگردان خود می‌آموخت.